نیازهای اجتماعی جوانان با تاکید بر نیاز به گروه همسن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر کلام امام علی (ع)

لیاقتدار، محمدجواد

چکیده:

در این مقاله ابتدا به نیاز فطری بشر به گروه همسن از دیدگاه علی(ع)پرداخته شده، سپس درباره میزان و نقش تربیتی گروه همسن بر روی متربی بحث شده و نهایتا اثرات تربیتی گروه همسن بر کل شخصیت متربی از دیدگاه امام علی(ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‏گیرد.نتیجه آنکه تمایل به گروه همسن علاوه بر آنکه یک نیاز فطری، عاطفی و اجتماعی است، شرط عقل نیز می‏باشد.

کلید واژه‏ها:گروه همسن، مربّی، متربّی، نهج البلاغه، تعلیم، تربیت

مقدمه

از نیازهای مهم دوران نوجوانی و جوانی نیاز به گروه همسن و نیاز به مصاحبت با آنها است.بر اساس هرم نیازهای مازلو یکی از مهمترین نیازهای روانی انسان که بعد اجتماعی قوی نیز در بر دارد نیاز به تعلق و گروه همسن است.مازلو در توصیف انسان کامل معتقد است که انسان کامل، انسانی است که همه نیازهای مربوط به سطوح پائین‏تر هرم در او تأمین شده و نهایتا به نیاز«خود شکوفائی»نائل شده باشد.لذا انسان کامل از نظر مازلو انسان خود شکوفا است.نکته قابل توجه آن است که انسان به مرز خود شکوفایی نمی‏رسد مگر آنکه نیازهای دیگر خود را پشت سر گذاشته باشد.از جمله این نیازها، نیاز به تعلق و نیاز به مصاحبت با گروه همسن است.به عبارت دیگر به هر میزان‏ که انسان نتواند از نظر اجتماعی با همنوعان خود و به ویژه با گروه همسن خود ارتباط صحیح برقرار کند به همان نسبت از مرز کمال و کامل شدن و نیل به رشد اجتماعی به دور می‏ماند.با توجه به مقدمه فوق، از وظایف اساسی والدین به ویژه در شرایط حاضر آن است که به این نیاز جوانان و نوجوانان توجه لازم بنمایند.دوستیابی و حفظ دوستی یک هنر است.هر کس در هر مقام و موقعیتی که باشد به این هنر نیازمند است.پزشک، مهندس، حسابدار، معمار، سرمایه‏دار، بازرگان، مغازه‏دار، معلم، استاد دانشگاه، دانش‏آموز و دانشجو همانقدر به این هنر نیازمند است که مدیران اجرائی، صاحبان شرکتها و کارخانجات.جالب توجه است که به گفته دیل کارنگی(همو، آئین دوست‏یابی)حتی در کارها و حرفه‏هایی که صرفا علمی است نظیر مهندسی، سهم اطلاعات فنی در پیشرفت و موفقیت صاحبان آن حرفه‏ها تنها پانزده درصد بوده در حالی که هشتاد و پنج درصد عامل پیشرفت و موفقیت آنها مربوط می‏شود به شخصیت، جذابیت و هنر آنان در ایجاد شوق در دیگران.این بدان معنا است که بهترین مشاغل و عالیترین مناصب از آن کسانی می‏شود که علاوه بر دانش تخصصی قادر به نفوذ کردن در همکاران خود باشد.چنین افرادی در زندگی همواره موفق و سعادتمند می‏باشند.اینکه دوستی و دوستیابی یک هنر است در واقع چکیده این گفتار علوی است که:«اعجز النّاس من عجز عن اکتساب الاخوان، و اعجز منه من ضیّع من ظفر به منهم.»(سید رضی، نهج البلاغه، حکمت 11)یعنی:عاجزترین مردم کسی است که از پیدا کردن یک دوست خوب عاجز باشد و عاجزتر از او کسی است که دوست خوبی را از دست بدهد.

متدلوژی در بررسی نهج البلاغه

روشهای بررسی و تحلیل نهج البلاغه به سه صورت امکانپذیر است:(1)روش ترتیبی، (2)روش تجزیه‏ای؛(3)روش موضوعی.هدف از روش ترتیبی، بررسی و تعمق در نهج البلاغه از ابتدای خطبه اول تا پایان بخش حکمتها می‏باشد.در این روش هر کدام از مفسران و شارحان نهج البلاغه از زوایای مختلف به کتاب شریف نهج البلاغه نگریسته و به شرح آن پرداخته‏اند.شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم نمونه‏هایی از بررسی نهج البلاغه به روش ترتیبی است.زوایای مورد تحقیق پژوهشگران می‏تواند ابعاد و زوایای متنوعی باشد از قبیل:بعد لغوی، ادبی و بلاغی؛بعد شأن صدور؛بعد تاریخی؛بعد اجتماعی و سیاسی؛بعد حقوقی؛بعد اعتقادی؛بعد عرفانی؛بعد فلسفی؛ بعد اقتصادی؛بعد فقهی؛بعد مدیریتی و حکومتی؛بعد روانشناسی فردی و روانشناسی اجتماعی؛بعد تعلیمی و تربیتی؛بعد اخلاقی؛بعد تفسیری و...زاویه نگرش پژوهشگر در این مقاله بعد تعلیمی و تربیتی می‏باشد.

هدف از روش تجزیه‏ای، بررسی بخشی از نهج البلاغه است.در این روش بخشی از کل نهج البلاغه و یا بخشی از خطبه‏ها، نامه‏ها و حکمتها گزینش شده و مورد بررسی قرار می‏گیرد.در حقیقت این روش از جهت نوع کار مشابه روش ترتیبی است با این تفاوت که جزئی از کل نهج البلاغه گزینش شده و مورد بررسی قرار می‏گیرد.

و بالاخره در روش موضوعی، موضوعی خاص توسط پژوهشگر مد نظر قرار گرفته و سپس آن موضوع به نهج البلاغه عرضه می‏شود.در این راستا کلیه مطالبی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم موضوع مورد نظر را تبیین می‏نماید بررسی و طبقه‏بندی می‏شود. از مزایای این روش آن است که محقق کمتر دچار پراکندگی موضوعی شده و می‏تواند به جمع‏بندی مشخصی در موضوعی خاص دست یابد.در این روش جوانب مختلف یک موضوع مورد بررسی قرار گرفته و نهایتا تبیینی نسبتا کامل درباره یک موضوع ارائه می‏شود.مزیت برجسته روش موضوعی آن است که در این روش سخنان و مواضع امام علی(ع)(که از منابع گوناگون استخراج می‏شود)یکدیگر را معنا و تفسیر می‏کنند و جهت صحیح برداشت از نهج البلاغه را نشان می‏دهند، زیرا که نهج البلاغه مجموعه‏ای یکپارچه و پیکر واحدی است که سراسر آن هماهنگ، و ابتدا و انتهای آن یکسان است. شارح معتزلی در این مورد می‏نویسد:«اگر کسی با تأمل و دقت در نهج البلاغه بیندیشد، همه آن را آبی زلال از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر، و دارای یک طرز سبک می‏یابد.عینا مانند جسمی ساده و بسیط که هیچ جزء آن در ماهیت با دیگر اجزاء اختلافی ندارد.همانند قرآن کریم که اول آن چون وسط آن، و وسط آن مانند آخر آن است، و همه سوره‏ها و کل آیات آن در سرچشمه و روش و طریقه و فن و سیاق و بافت، مانند هم و یکسان و یکپارچه‏اند».(همو، 10/128-129)

بدیهی است که در روش موضوعی، محقق به عنوان ابزارهای کمکی نیازمند استفاده‏ از تحقیقات انجام شده از طریق روش ترتیبی و روش جزئی نیز می‏باشد.مقاله حاضر بر اساس روش موضوعی نگارش شده است. 1

نیاز بشر به گروه همسن

دوست خوب و رفیق مهربان یکی از نعمتهای بزرگ الهی و نیز پناهگاه انسان و آرامش بخش دل و روان او است.وجود دوست حقیقی یکی از احتیاجات هر انسانی است. کسی که از نعمت دوست مهربان محروم باشد احساس غربت و تنهایی می‏کند و یار و غمخواری ندارد تا در مشکلات زندگی به او پناه برده و از مساعدت و مشاورت او بهره‏مند شود.فقدان دوست ممکن است حتی منجر به پژمردگی و افسردگی نیز بشود. حقیقتا یکی از بهترین لذات زندگی همانا رفت و آمد و گفتگوهای دوستانه است که باعث تقویت روحی انسان می‏شود.

نیاز به دوست و رفیق یک نیاز عام و انسانی است و اختصاص به سن و دوره خاصی از رشد ندارد.کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان همگی نیازمند داشتن دوست و (1).ضمنا روش تحلیلی این مقاله بر این مبتنی است که ابتدا کل نهج البلاغه فیض الاسلام اعم از خطبه‏ها، نامه‏ها و حکمتها بر اساس موضوع مقاله بررسی می‏شود.این بررسی شامل حکمتهای منسوب به امیر المؤمنین(ع)که در جلد بیستم شرح ابن ابی الحدید آمده است و به تعداد 998 گفتار می‏باشد، نیز می‏شود.علاوه بر این، کلیه واژه‏هایی که از جهت معنا با موضوع مورد بررسی تناسب دارند در هفت جلد غرر و درآمدی بررسی می‏شوند.در مرحله بعد کلیه مطالب استخراج شده بر اساس سه محور فوق الذکر تقسیم و طبقه‏بندی می‏شوند.در این مرحله از بیست جلد شرح ابن ابی الحدید معتزلی و پنج جلد شرح ابن میثم بحرانی نیز استفاده شده است.

در این مقاله تحلیلی-پژوهشی که عمدتا مبتنی بر کلام امیر المؤمنین علی(ع)است، پیرامون موضوع نیاز اجتماعی جوانان به گروه همسن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی بحث می‏شود.در این راستا، ابتدا به نیاز فطری بشر در این مقاله تحلیلی-پژوهشی که عمدتا مبتنی بر کلام امیر المؤمنین علی(ع)است، پیرامون موضوع نیاز اجتماعی جوانان به گروه همسن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی بحث می‏شود.در این راستا، ابتدا به نیاز فطری بشر به گروه همسن از دیدگاه مولای متقیان (ع)پرداخته می‏شود.سپس به میزان و نقش تربیتی گروه همسن بر روی متربی بحث شده و نهایتا اثرات ترتیبی گروه همسن بر کل شخصیت متربی از دیدگاه امام علی(ع)مورد تجزیه و تحلیل قرار می‏گیرد.

همدم صمیمی می‏باشند.به علاوه هر دوستی و مصاحبت به مقیاس درجه رفاقت و دوستی، در امور مادی و معنوی رفیق خود نفوذ کرده و هر یک خواه ناخواه روی عقاید، اخلاق، رفتار و گفتار دیگری اثر می‏گذارد.(پیامبر اکرم(ص)فرمود:روش آدمی بر طبق سیره دوست صمیمی او است).

دامنه این تأثیر به قدری است که گاهی فقدان چنین دوستی به فرمایش امام علی(ع) همانند از دست دادن شریفترین اعضاء بدن است.علی(ع)در تبیین نیاز بشر به گروه همسن به طرز بسیار زیبایی می‏فرمایند:«اعجز الناس من عجز عن اکتساب الاخوان و اعجز منه من ضیّع من ظفر به منهم.»(نقل از ارموی، 5/472)یعنی:عاجزترین مردم کسی است که از پیدا کردن یک دوست خوب عاجز باشد و عاجزتر از او کسی است که دوست خوبی را از دست بدهد.بدین معنا که گرایش و تمایل به گروه همسن نشانه رشد اجتماعی است و لذا کسانی که از گرایش به گروه همسن و انتخاب دوست عاجز باشند به هر دلیل که باشد حاکی از عدم رشد اجتماعی آنهاست.همین مضمون را شارح معتزلی، ابن ابی الحدید نیز در باب حکمتهای منسوب به امیر المؤمنین آورده است:«اعجز الناس من قصر طلب الصدیق و اعجز منه من وجده فضیّعه»(سید رضی، حکمت 11).یعنی: عاجزترین مردم کسی است که در طلب دوست کوتاهی کند و عاجزتر از او کسی است که دوست خویش را بیابد اما(بر اثر سوء معاشرت با وی)او را از دست بدهد.فرمایش امام تأکید بر این نکته است که متربی باید با دوستان و همکاران خود در محیط کار، مدرسه، دانشگاه و...به گونه‏ای رفتار نماید تا پایه دوستیها محکم‏تر شود.دو مهارت اجتماعی مفید که می‏تواند پایه دوستیها را محکم‏تر نماید عبارت است از مهارت اجتماعی«همکاری»و مهارت اجتماعی«سازگاری اجتماعی».به عبارت دیگر از نشانه‏های بارز رشد اجتماعی هر متربی و هر شهروند این است که تا چه اندازه قادر است در محیط خانواده، محیط مدرسه و دانشگاه، محیط کار و نهایتا محیط محله و جامعه و شهر خود، همکاری با دیگران را سرلوحه کار خود قرار دهد.امروز حتی در بعد کلان ملی و کشوری و بلکه جهانی مهارت اجتماعی«همکاری»پایه تشریک مساعی و تحکیم همزیستی مسالمت آمیز جامعه جهانی شده است.

ملاحظه می‏شود که تأکید امام علی(ع)روی رشد اجتماعی متربی و انتخاب دوست‏ تا چه حد بالا و قوی است و دوستیابی را نشانه قدرت عقلانی، عاطفی و اجتماعی انسان می‏داند به ابن ابی الحدید در تحلیل فرمایش امام(ع)می‏نویسد:«می‏گویند دوستان سه دسته‏اند:دسته‏ای مانند غذا می‏باشند که هرگز از آن بی‏نیاز نیستیم و دسته‏ای همانند دارو هستند که هنگام بیماری به آنها نیازمندیم نه همیشه، و دسته‏ای همانند درد می‏باشند که هرگز به آنها نیاز نداریم بلکه خود ممکن است وبال ما باشند.»(همو، 20/297)تحلیل شارح معتزلی خود می‏تواند مبین درجات دوستی و میزان اهمیت هر گروه از دوستان باشد.

همانطور که قبلا گفته شد کسی که از نعمت دوست مهربان محروم باشد احساس غربت و تنهایی می‏کند.«فقد الاحبّة غربة»(سید رضی، حکمت 62).از دست دادن دوست(بهر دلیل که باشد)مایه غربت و تنهایی آدمی است.امروزه روانشناسان تأکید دارند که اگر بچه با گروه همسن خود در تماس نباشد و طرح دوستی نریزد باعث ایجاد اختلال در رشد جسمانی، عاطفی، عقلانی و خصوصا رشد اجتماعی و اخلاقی او خواهد شد.(شریعتمداری، فصل گروه همسن)گاهی نیز ممکن است منجر به افسردگی شود.زیرا در چنین حالتی متربی احساس می‏کند که هیچ کس به او علاقه ندارد و او بقدری هیچ و پوچ و بی‏خاصیت است که مورد علاقه هیچ کس قرار نگرفته است.در این رابطه امام(ع)خطاب به فرزندش امام حسن(ع)می‏فرماید:«و الغریب من لم یکن له حبیب»(سید رضی، نامه 31).غریب واقعی کسی است که دوستی ندارد یا دوستداری ندارد.ظاهرا در اینجا منظور از حبیب محب است نه محبوب یعنی، غریب کسی است که دوستدار ندارد.

توضیح آنکه از نیازهای اساسی انسان، نیاز به محبت است.انسان هم نیاز دارد به دوست داشتن و هم نیاز دارد که مورد محبت دیگران واقع شود.فردی که در خانواده از طرف والدین یا افراد بزرگسال یا همسر خویش یا دوستان خود مورد محبت قرار نگیرد در واقع غریب و تنها است.در واقع نیاز به محبت خود نوعی نیاز به تعلق است.فرزند دوست دارد مورد محبت والدین قرار گیرد تا خود را از آنها و وابسته به آنها حس کند نه اینکه خود را تنها و غریب و بیگانه از آنها احساس نماید.امّا چرا امام(ع)فقدان دوست و دوستدار را نشانه نوعی غربت و تنهایی دانسته‏اند؟به دلیل آنکه در بودن با دوست‏ متربی به رشد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و عقلانی رسیده و مسیر رشد او آسانتر طی می‏شود.این معنا دقیقا در رابطه با فرهنگ و رشد اجتماعی افراد در محیط کاری و شغلی نیز صادق است.اینکه امام(ع)دوستی را مؤثر در رشد عقلانی دانسته و متقابلا رشد عقلانی را از عوامل مهم رشد اجتماعی و مهارت دوستیابی دانسته‏اند در حکمت 135 بخوبی متجلی شده است:«التودد نصف العقل».دوستی و محبت با مردم نیمی از عقل است.معلوم می‏شود که در محبت و دوستی و معاشرت منطقی با صلحا و خوبان بهره‏هایی هست که عقل سلیم بدان حکم می‏کند و کسیکه از گروه معاشران صالح و همسن دوری کند نشانه بیخردی و جهل اوست.

به علاوه دوستی‏ها را شاید بتوان نوعی فامیلی اکتسابی به حساب آورد.بین زوجین نیز در اثر ازدواج-به فرمایش قرآن-مودّت میان آنها برقرار شده و این مودت به مرور زمان می‏تواند افزایش یابد و به همین دلیل آنها را فامیلهای سببی می‏نامند.امام علی(ع) در این رابطه می‏فرمایند:«و الصاحب مناسب»(سید رضی، نامه 31).دوست(بدلیل مودت و دوستی که ابراز می‏دارد)در حکم فامیل و خویشاوند است و باید بهمان ترتیب با او رفتار کرد، همین مضمون در عبارات دیگری از امام علی(ع)نقل شده است: «و المودة قرابة مستفاده».مودت و دوستی نوعی خویشاوندی اکتسابی است.با توجه به معنای مودت یعنی ابراز محبت، بر دوستان، زوجین و همکاران لازم است بنحوی محبت خود را ابراز کنند.گاه دیده شده که والدین علیرغم محبت به فرزندان خود، این محبت را به دلائل مختلف از جمله تراکم کار و یا خستگی ابراز نمی‏کنند و باعث ایجاد سوء ظن در فرزند و یا خدای نکرده گرایش فرزندان به دوستان ناباب-که اندک محبت و توجهی به آنها داشته‏اند-می‏شوند.همین معنا در سازگاری زناشوئی و صمیمیت روز افزون زن و شوهر نیز میتواند تأثیر شگرف داشته باشد.

ارزش دوستی در محیط کار می‏تواند تأثیر بیشتر و عمیق‏تر داشته باشد.گاه روابط دوستی بقدری محکم و دقیق است که حمایتهای مادی و معنوی دوستان هرگز قابل مقایسه با حمایتهای فامیل و وابستگان نیست.و لذا امام علی(ع)در این رابطه می‏فرمایند:«الکرم اعطف من الرحم»دوست جوانمرد و بزرگوار، عطوفت و مهربانی‏اش از خویشاوند و فامیل شدیدتر و واقعی‏تر است.زیرا که مهربانی خویشاوند احتمالا از روی تکلف و رنج باشد اما مهربانی دوست جوانمرد، طبیعی، فطری و خودجوش است.جهت تأکید بیشتر بر مضمون فوق، لازم است به فرمایش دیگری از امام علی(ع)توجه بشود:«رب بعید اقرب من قریب و قریب ابعد من بعید»یعنی:چه بسا در میان افراد دور(غیر فامیل)کسانی باشند که از فامیل هم به انسان نزدیکتر باشند و از فامیل هم برای انسان سودمندتر باشند و چه بسا در میان اقوام نزدیک(فامیل)کسانی باشند که رفتارشان بگونه‏ای باشد که گوئی دشمن انسان‏اند و مصداق آیه کریمه«چه بسا از همسران و فرزندانتان دشمنان شما باشند پس از آنها حذر کنید.»(التغابن، 15)

خلاصه آنکه، در باب ارزش برتر دوستی امام علی(ع)می‏فرمایند:«و القرابة احوج الی المودة من المودة الی القرابه»(سید رضی، حکمت 300).قرابت و خویشاوند به مودت و دوستی نیازمندتر است تا نیاز مودت به خویشاوندی.توضیح آنکه در معاشرتها و نیز خویشاوندیها مهم وجود محبت و دوستی است.به فرمایش امام(ع):«تحتاج القرابة الی المودة و لا تحتاج المودة الی القرابه»(ابن ابی الحدید، 20/305).ابن ابی الحدید در تحلیل عبارت امام(ع)حکایت زیبا و پرمعنایی را نقل می‏کند و می‏نویسد:از کسی پرسیدند از برادر و دوستت کدام را بیشتر دوست داری؟گفت:برادرم را اگر دوست باشد.(همو، 1/214)

نکته پایانی قابل توجه در این بخش آنکه، به فرمایش امام(ع)بیقراری در مرگ دوست امری پسندیده است.به طور کلی جزع و فزع در برابر حوادث، مصائب و آفات کار عاقلانه‏ای نیست و نشانه عدم رشد عاطفی و عقلانی است.اما در مصیبت مرگ دوست، امام(ع)بیقراری و گریه را خوب می‏دانند.چرا؟به دلیل عشق و محبتی که متربی صالح نسبت به دوست صالح خویش دارد و میزان تأثیر و یا تأثری که از یکدیگر دارند. لذا امام علی(ع)می‏فرمایند:«جزعک فی مصیبة صدیقک احسن من صبرک، و صبرک فی مصیبتک احسن من جزعک».جزع تو در مصیبت فقدان دوستت بهتر و شایسته‏تر است تا صبر و در عوض صبر تو در مصیبت وارد شده بر خودت و در برابر بروز مشکلات مربوط به خودت بهتر و شایسته‏تر از جزع و فزع و بیقراری کردن.

میزان و تأثیر نقش تربیتی گروه همسن

رفاقت و دوستی متربی با دیگران، بسیاری از مظاهر اخلاقی و عادات را خواه و ناخواه و دانسته یا ندانسته در متربی ایجاد یا دگرگون می‏سازد.امام علی(ع)در زمینه میزان و نقش تربیتی گروه همسن و دوستان در فرد متربی دو تشبیه جالب دارند.ایشان می‏فرمایند:«صحبة الاخیار تکسب الخیر کالریح اذا مرت بالطیب حملت طیبا»(نقل از ارموی، 4/202)یعنی همنشینی با خوبان باعث کسب خیر(و صفات نیک از آنان می‏شود)همانند نسیم که هرگاه از کنار گلزار می‏گذرد، بوی خوش گلها را با خود حمل می‏کند.و بر عکس ایشان در جای دیگری می‏فرمایند:«صحبة الاشرار تکسب الشر کالریح اذا مرت بالنتن حملت نتنا.»(همانجا، 4/27)همنشینی با افراد بدکار باعث کسب صفات بد از آنان می‏شود، همانند نسیم که هرگاه از کنار مردار و یا محل بدبو بگذرد، بوی بد را با خود به همراه می‏آورد.این معنا را فردوسی بسیار زیبا به نظم در آورده است:

بعنبر فروشان اگر بگذری

شود جامه تو همه عنبری

و گر تو شوی نزد انگشتر

از او جز سیاهی نیابی دگر

در تأیید مطلب فوق امام علی(ع)در نصایح خود به فرزند خویش امام حسن مجتبی(ع)می‏فرماید:«قارن اهل الخیر تکن منهم و باین اهل الشر تبن منهم»(سید رضی، نامه 31).با اهل خیر قرین و همراه باش تا از آنها گردی(یعنی از آنها خواهی شد) و مخالف و دور از اهل شر و بدی باش تا از آنها و صفات بد آنها دور شوی.این سخن به صراحت و روشنی، میزان تأثیر دوستی و معاشرت دوستان صالح و فاسد را نشان می‏دهد.

علاوه بر دو تشبیه فوق، در ارتباط با میزان تأثیر گروه همسن، امام علی(ع)تأکید می‏کند که میزان تأثیر به حدی زیاد است که یکی از مهمترین معیارهای مردم ارزیابی از شخصیت فرد متربی، بر اساس دوستانی است که برای خود بر می‏گزیند.همانطور که پیامبر(ص)فرمود هرکس بر دین و مذهب خلیل و دوست خود می‏باشد، علی(ع) می‏فرماید:دوست بمنزله و نقش لباس دوست خود می‏باشد:«الصاحب کالرقعة فی الثواب فاتخذه مشاکلا»(ابن ابی الحدید، 20/309).یعنی:همانند وصله و نقش و نگار لباس است پس آنرا زیبا و شکیل برگزین.

به علاوه محیط زندگی و نیز محیط کار، روی تربیت بچه‏های متربی، و رشد اخلاقی، عاطفی و اجتماعی او مؤثر است.کودکان، نوجوانان و جوانان معمولا دوستان را از میان بچه‏های هم محل خود برمی‏گزینند و نیز بزرگترها با بزرگترهای همسایه در رفت و آمد هستند و اینگونه معاشرتها اثرات تربیتی مثبت و یا منفی روی متربی می‏تواند داشته باشد.شاهد این مدعا آنکه سفارش شده است که قبل از خرید منزل و یا اجاره منزل در مورد همسایه‏ها تحقیق و سؤال شود.چون همسایه و بچه‏های همسایه از نظر اجتماعی، اخلاقی و عاطفی روی بچه‏ها و نوعا افراد خانواده تأثیر دارند.«سل...عن الجار قبل الدار»(سید رضی، نامه 31).شاید یکی از دلائل آنکه پیامبر سفارش همسایه را به مسلمین زیاد نموده و به فرمایش امام علی(ع)، رعایت حقوق همسایه تا حدی تأکید شده است که این تصور پیش می‏آید که نکند همسایه از همسایه ارث می‏برد، بخاطر تأثیر گذاری بسیار زیاد همسایه‏ها بر رفتار و به طور کلی روند زندگی دیگر همسایگان باشد.امام در این زمینه می‏فرماید:«خدا را، خدا را رعایت کنید درباره همسایگانتان! چرا که همواره پیامبر گرامی اسلام(ص)در مورد رعایت حقوق همسایه سفارش می‏کردند و بقدری سفارش می‏کردند که ما فکر می‏کردیم همسایه از همسایه ارث می‏برند»(سید رضی، نامه 47).لذا، شاید بی‏جهت نباشد که در مواردی یکی از ملاکهای ارزیابی شخصیت افراد بر اساس همسایگان آنان باشد و یا به عبارت دیگر، ارزش منازل، در واقع از طریق بافت ساکنین محل ارزیابی گردد.همچنین، جهت تأکید بیشتر بر میزان تأثیر گذاری گروه همسن بر متربی، امام علی(ع)علاوه بر لزوم تحقیق از همسایه قبل از خرید منزل، بر لزوم تحقیق از دوست همراه و همراهان سفر قبل از پرداختن به سفر تأکید می‏ورزد.چرا؟دلیل آنرا امام(ع)در جای دیگر می‏فرماید که: «الصدیق نسیب الروح و الاخ نسیب الجسم»(همو، 20/323)دوست در واقع خویشاوند روح است و برادر خویشاوندی جسمانی است.نسبت برادر به برادر نسبتی است فامیلی و از نوع دوستی و مصاحبتی است که والدین و وراثت در آن نقش داشته است، اما نسبت دوستی دو دوست، نسبتی است روحانی و معنوی و در اثر ارتباط قلبی و معنوی است که با یکدیگر عقد دوستی و اخوت بسته‏اند و بقدری با یکدیگر صمیمی‏ شده که در قلب یکدیگر جای می‏گیرند.لذا امام(ع)می‏فرمایند اگر زمانی به صداقت و دوستی دوست خود شک کردی و از رفتارش مشکوک شدی از قلبت استفتاء و سؤال کن«اذا شککت فی مودة انسان فاسئل قلبک عنه»(نقل از ابن ابی الحدید، 20/232). البته، اینکه امام(ع)می‏فرمایند دوست خویشاوند روح است شاید معنای دیگر آن این باشد که دوست با روح شما سر و کار دارد و در روح و روحیات و روان شما تأثیر دارد، روی عواطف و احساسات و اخلاق شما تأثیر دارد که همه اینها جنبه معنوی و روحانی دارد.پس باید از طریق یافتن یک دوست صالح، به تربیت روح و روان خویش بپردازیم. به عبارت دیگر با توجه به تأکیدات امام علی(ع)همانطور که لازم است به متربی کمک شود تا مصاحبت با نیکان را در پیش گرفته و از صفات و فضائل اخلاقی آنان بهره‏مند شود، به همان نسبت لازم است تا از مصاحبت با افراد بدکار پرهیز نماید.بر اساس نگرش نهج البلاغه با توجه به اینکه دوستی یک سرمایه به حساب می‏آید، لذا تنها باید در تحصیل دوست خوب و همنشینی با نیکان تلاش کرد(خلاف آن عجز بحساب می‏آید)(سید رضی، حکمت 11)بلکه باید در حفظ دوستیها و صمیمیتها تلاش نموده و اجازه داده نشود تا اختلافات حزبی و سلیقه‏ای مانع تداوم دوستیها شود.

حفظ دوستی علیرغم اختلافات جزئی:

امام متقین علی(ع)دو تعبیر بسیار جالب دارند که مفهوم این دو عبارت دال بر آن است که متربی اعم از نوجوانان، جوانان و بزرگسالان لازم است دوستی و صمیمیت را به عنوان یک سرمایه بزرگ(که در بخش اهمیت دوستی قبلا بحث شد)و ارزشمند حفظ نموده و اجازه ندهند تا اختلافات فکری و عقیدتی، اختلاف سلیقه و مشرب، و تفاوتها در نگرش، حلقه دوستی و تفاهم را از هم بگسلد.امام می‏فرمایند:«علیکم بالتواصل و التباذل و ایّاکم و التدابر و التقاطع» (سید رضی، نامه 47)بر شما باد بر همبستگی و دوستی و بذل و بخشش و محبت بر یکدیگر و پرهیز از پشت کردن به یکدیگر و جدایی از همدیگر.مسلما منظور از تواصل و تباذل در فرمایش امام(ع)دوستی با افراد شایسته و نیکان است و این معنا در مفهوم عبارات امام(ع)مستتر است و گرنه امام(ع)هرگز توصیه به حفظ دوستی با بدکاران نمی‏نماید.شاید منظور امام(ع)از بذل و بخشش در اینجا همان تعبیر قرآن کریم باشد که می‏فرماید:از تو می‏پرسند که چه چیز را بخشش کنند، پس بگو عفو را(البقره، 219). حاکی از آنکه گاهی در مناسبات میان دوستان، اختلافات فکری، عقیدتی، سلیقه‏ای و...پیش می‏آید که در اینجا متربی عاقل جهت حفظ سرمایه دوستی باید عفو و گذشت داشته باشد و هرگز اجازه ندهد تا اختلافات سیاسی منجر به قطع رشته دوستی شود. نگارنده معتقد است که این معنا را بوضوح در عبارت دیگری از امیر المؤمنین(ع) می‏توان مشاهده کرد:«لا تقطع صدیقا و ان کفر»(نقل از ارموی 6/268).حفظ دوست و رشته دوستی بالاتر از همه چیز است حتی اگر دوست تو از جهت سلیقه فکری و عقیدتی راه دیگری را بپیماید.بر اساس همین نگرش است که امام(ع)با فرد یهودی نیز جهت بازگشت از منزل هم صحبت شده و با او هم مسیر می‏شود.

لزوم پرهیز از همنشینی با افراد بزهکار:

مطلب دیگری که امام امیر المؤمنین(ع)بر آن تأکید دارند ضرورت پرهیز و دوری از همنشینی با افراد بزهکار می‏باشد.در قرآن کریم به طور ضمنی بر این نکته تأکید شده است:«و روزی که به دندان می‏گزد ستمکار دو دستش را و می‏گوید کاش با راهنمایی رسول راهی انتخاب کرده بودم، ای کاش فلانی را دوست خود نمی‏گرفتم.»(الفرقان، آیات 19 و 20).امام علی(ع)که خود تربیت شده مکتب قرآن و پیامبر(ص)می‏باشد به منظور تأکید بر ضرورت پرهیز از همنشینی با دوستان بزهکار می‏فرماید:در دوستی فردی که به بدنامی مشهور است و مورد اتهام و سوء ظن مردم است، خیر و فایده‏ای برای تو وجود ندارد، و لا خیر فی صدیق ظنین (سید رضی، نامه 31).اینگونه دوستها بلکه برای تربیت و آموزش متربی، مضر نیز هستند و به همین دلیل جهت جلوگیری از ضرر آنها، عدم گرایش متربی به آنها و یا قطع رابطه با آنها ارجح است.در این رابطه امام(ع)می‏فرمایند:تنهایی بهتر از دوست بد است.الوحدة خیر من رفیق السوء(نقل از ابن ابی الحدید، 20/334).

تأکیدات امام(ع)مبنی بر لزوم پرهیز از همنشینی با افراد بزهکار مسلما دارای فلسفه و دلائل منطقی است.لذا لازم است به برخی از این دلایل و به استناد سخنان امام در نهج البلاغه و دیگر منابع پرداخته شود.

اولین دلیل قابل طرح آن است که همنشین بد به طور ناخودآگاه می‏تواند کل شخصیت متربی را تحت تأثیر قرار داده و باعث انتقال صفات و خصلتهای بد به متربی بشود.امام در این زمینه می‏فرمایند:با افراد شرور و بدکار دوست نشوید چرا که طبع‏ شما و روح شما از روحیات و اخلاقیات او خصلتهای ناپسند را به سرقت می‏برد بگونه‏ای که شما حس نمی‏کنید.ناگهان به خود می‏آیید و مشاهده می‏کنید که شما نیز مثل او شرور و بدکردار شده‏اید«لا تصحب الشریر فان طبعک یسرق من طبعه شرا و انت لا تعلم»(همانجا، 20/272).افراد شرور شرشان مانند میکروب سل مسری است و به دیگران و به ویژه دوستان آنها سرایت می‏کند.لذا امام(ع)می‏فرماید:«ایاک و صاحب السوء فانه کالسیف المسلول، یروق منظره و یقبح اثره.»(همانجا، 20/273).مراقب باش و دوری کن از دوستان بد که اینها همانند شمشیر برنده آغشته به میکروب سل می‏باشند که باعث تعجب و شگفتی شما می‏شود.اما اثری که بر جا می‏گذارد در دراز مدت، باعث نکبت و بدبختی متربی می‏شود.بهر حال اینکه امام(ع)می‏فرمایند در اثر همنشینی با فرد بزهکار، طبیعت فرد متربی خصلتهای بد را از طبیعت فرد بزهکار می‏دزدد حاکی از آن است که در اثر ارتباط عاطفی که دوستان با یکدیگر پیدا می‏کنند، وجود دوست و همنشینی با او برای فرد متربی بصورت عادت درمی‏آید و معمولا در مسأله عادت، خود آگاهی، تفکر و یا اراده بیدار مطرح نیست.همین معنا را امیر المؤمنین(ع)در نهج البلاغه به بیان دیگری خطاب به حارث همدانی می‏فرماید:از دوستی با افراد بدکار و فاسق بپرهیز چرا که شر آنها به تو نیز سرایت می‏کند و تو را نیز شرور و بدکار می‏کند«و ایاک و مصاحبة الفساق فان الشر بالشر ملحق».

دومین دلیل مطرح شده توسط امام علی(ع)آن است که در اثر همنشینی با دوستان بزهکار و برقراری ارتباط عاطفی قوی توسط متربی با آنها، انفعال متربی در برابر آنها دقیقا مشابه انفعال انسان در برابر یک عادت می‏باشد.به عبارت دیگر، دوست نیز در اینجا مشابه عادت عمل می‏کند و بر کل شخصیت فرد متربی اثر می‏گذارد.به همین دلیل امام(ع)به عنوان یک مربی کارآزموده هشدار می‏دهد که:بدانید که همنشینی با دوستان بد و پیروان هوی و هوس باعث فراموشکاری ایمان و جولان شیطان در خانه دل شما می‏شود.و اعلموا...مجالسة اهل الهوی منساة الایمان و محضرة للشیطان(سید رضی، خطبه، 85).

سومین دلیل که امام(ع)بر لزوم پرهیز از همنشینی با افراد بدکار مطرح می‏کنند به قضاوت و ارزیابی مردم در مورد افراد مربوط می‏شود.معمولا یکی از ملاکهای ارزیابی‏ مردم از شخصیت فرد متربی بر اساس نوع دوستان و همراهان اوست.امام به صراحت می‏فرماید که اعتبار هر کس نزد مردم به دوست اوست.از همنشینی با افراد سست رأی و افرادیکه عملشان منکر و بدکردارند پرهیز کن چرا که ارزش و اعتبار دوست در نظر مردم بستگی به دوست وی دارد و احذر صحبة من یفیل رأیه و ینکر عمله فان الصاحب معتبر بصاحبه(همان، نامه 69).و نهایتا، دلیل آخر که امام(ع)مطرح می‏فرماید آن است که با دوری از همنشینی با افراد بدکار، احتمال گرایش فرد متربی به همراهان نیکوکار و اتخاذ دوستان خوب و صالح بیشتر می‏شود.امام(ع)خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی(ع)می‏فرماید:بریدن و دوری از دوست جاهل و بیخرد با وصل و همراهی دوست عاقل برابر است.(همان، نامه 31)و شاید که اراده متربی بر پرهیز از مصاحبت با بدکاران و افراد بزهکار، خود نشانه خردمندی و تعقل اوست.

اثرات تربیتی گروه همسن بر کل شخصیت

شخصیت مفهومی کلی و بسیط است.شخصیت انسان دارای وحدتی تجزیه‏ناپذیر است.بدین معنا که شخصیت هر فرد بمنزله یک کل است که در عین حال مرکب از اجزاء مختلف و ابعاد مختلف است(بعد اجتماعی، بعد عاطفی، بعد عقلانی و بعد جسمانی)ولی قابل تجزیه به اجزاء خود نیست.به عبارت دیگر، هرگز نمی‏توان یک خصوصیت از خصوصیات رفتاری انسان را صد در صد اجتماعی یا عاطفی یا جسمانی و یا عقلانی اطلاق کرد.هر کدام از بروزهای رفتار آدمی مسلما متأثر از ابعاد دیگر نیز هست.منطقی نیست که استعداد بتهوون در خلق الفبای موسیقی را تنها ناشی از احساسات و عواطف او تلقی کرد و از رشد عقلانی او غفلت نمود.منطقی نیست که استعداد جسمانی ورزشکاران برجسته را تنها ناشی از تمرین بدن و بدور از خلاقیت و هوش عملی آنها ارزیابی کرد.به همین دلیل شخصیت آدمی در واقع یک واحد است که همه ابعاد عاطفی، جسمانی، اجتماعی و عقلانی در آن دخالت دارند.همانطور که رشد عقلانی مؤثر در رشد عاطفی، رشد جسمانی و رشد اجتماعی است.به همان نسبت رشد اجتماعی انسان متأثر از ابعاد دیگر نیز هست.به علاوه، بعد اخلاقی نیز که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی بطور مستقل بدان پرداخته می‏شود، در واقع در بعد اجتماعی مستتر است.بدین معنا که اخلاقیات نوعی رفتار بشمار می‏روند که توسط متربی در ارتباط با دیگران بروز می‏یابند.

هدف نگارنده از مقدمه فوق آن است که در کلام امیر المؤمنین، عمدتا در بحث ارتباطات و تأثیرات گروه همسن به تربیت اجتماعی متربی پرداخته شده است.به عبارت دیگر، امام(ع)به اهمیت رشد اجتماعی متربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به طور برجسته تکیه نموده و تعبیرات بسیار جالب و زیبایی را بیان نموده‏اند.از جمله بیانات امام(ع)فرازهایی است که مناسب است از آن به عنوان«قانون طلائی»نام ببریم. اگر این قانون، معیار روابط میان انسانها اعم از گروه همسن، اعضای خانواده، زوجین و همکاران در نهادها و ادارات و شرکتها قرار گیرد قطعا اختلافات به حداقل کاهش یافته و تفاهم و صمیمیت تثبیت می‏شود.

قانون طلائی:قانون طلائی در روابط میان گروه همسن می‏گوید، با دوستان همانگونه رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار شود.به عبارت دیگر، «برای اینکه دوستی خوب داشته باشید، خود یک دوست خوب باشید».امام علی(ع)در ارتباط با قانون طلائی مذکور می‏فرماید:در زمینه روابط میان خود و گروه همسن و یا هرگونه ارتباط با دیگران، خود را میزان و معیار قرار بده:یا بنیّ اجعل نفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک(سید رضی، نامه 31).سپس امام(ع)روابط میان متربی با گروه همسن را بطور جزئی‏تر تشریح می‏فرماید.به این صورت که:هر آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز همان را دوست بدار:فاحبب لغیرک ما تحبّ لنفسک(همانجا).و یا: هر آنچه را برای خود بد و ناگوار می‏دانی برای دیگران نیز آنرا نپسند:و اکره له ما تکره لها(همانجا).و همانطور که دوست نداری به تو ظلم شود تو نیز ظلم نکن:و لا تظلم کما لا تحبّ ان تظلم(همانجا).و همچنانکه دوست داری که دیگران به تو نیکی کنند تو نیز به دیگران نیکی کن:و احسن کما تحبّ ان یحسن الیک(همانجا).و آندسته از رفتارهایی که از دیگران قبیح و بد می‏دانی، از خود نیز دور کن و خود نیز بدآنها متصف نشو:و استقبح من نفسک ما تستقبح من غیرک و در رفتار با مردم و دوستان گروه همسن خود چنان باش که هر رفتاری که خود در برخورد با مردم می‏پسندی و از آن خشنود و راضی می‏شوی اگر همان رفتار را دیگران با تو داشتند خود نیز راضی و خشنود باشی‏ (به عبارت دیگر اگر رفتار مردم با خود را نمی‏پسندی باید در نحوه رفتار خود با مردم نیز تجدید نظر بکنی):و ارض من الناس بها ترضاه لهم من نفسک(همانجا).

کنترل زبان:در ادامه مصادیق قانون طلائی امام علی(ع)به دو توصیه مهم درباره کنترل زبان که در واقع از ابزارهای اجرایی اصلی رفتارهای آدمی است اشاره می‏کند.در چیزها و مواردی که از آنها اطلاع درست و دقیق نداری دخالت نکن و سکوت پیشه کن. (و بدین وسیله عامل تفرقه میان افراد نشو)در حالیکه آنچه را که تو می‏دانی نیز کم و ناقص است:و لا تقل ما لا تعلم و ان قل ما تعلم.(همانجا)در توضیح این بیان امام علی(ع)باید اظهار داشت که در واقع امام عدم کنترل زبان را از موارد نقض قانون طلائی دانسته و کنترل زبان را بخاطر غرق نشدن در گرداب گناه و دشمنی با دیگران‏(و لا تعانوا علی الاثم و العدوان)(المائده، 2)ضروری می‏دانند.امام(ع)در توصیه دوم می‏فرمایند که در برخوردهای کلامی با مردم و دوستان نهایت ادب را باید رعایت کرد و چنان با مردم سخن بگو که دوست داری همانطور با تو سخن بگویند.

مهارتهای اجتماعی:از مهمترین مهارتهای اجتماعی مؤثر در روابط میان گروه همسن، مهارت همکاری است.قرآن کریم بطور صریح بر اهمیت مهارت«همکاری»در روابط اجتماعی افراد تأکید می‏کند:«تعاونوا علی البر و التقوی.»(همان)بر اساس دو محور نیکی و نگهداری خود یا خوبی و تقوی با یکدیگر همکاری کنید.چرا که اگر متربی به درجه‏ای از رشد شخصیتی برسد که«همکاری»با دیگران را محور رفتار خود قرار دهد، این رفتار به عنوان یک رفتار اجتماعی مستلزم رشد عقلانی و رشد عاطفی است.به علاوه اگر متربی در روابط با دیگران به خصیصه تعاون و همکاری به خوبی متصف باشد، این می‏تواند نشانگر آن باشد که فرد متربی در برخورد با دیگران به درجه‏ای از رشد رسیده است که«همکاری»در او و برای او به صورت یک«مهارت»در آمده است.

علی(ع)در این زمینه تعبیر بسیار جالبی دارند.ایشان می‏فرماید که دوست در واقع نوعی همکار و شفیع برای متربی بحساب می‏آید:الشفیع جناح الطالب(سید رضی، حکمت 60).شفع و شفاعت هر دو مصدر بوده و به معنای انضمام چیزی به چیز دیگر است:شفعف العدد یعنی صیره زوجا ای ضاف الی الواحد ثانیا(قرشی، 4/48).دوست‏ به منزله بال(وسیله حرکت)برای فرد متقاضی(دوست)است.با انعقاد پیوند دوستی میان دو فرد، هر دو با هم تشریک مساعی نموده و در واقع هر کدام برای دیگری بمنزله یک بال عمل می‏کند.

بنابراین، با توجه به مباحث فوق در ارتباط با قانون طلائی به عنوان محور مناسبات و ارتباطات هر متربی با گروه همسن یک اصل کلی را می‏توان استنتاج نمود و آن اینکه: اصحب الناس بای خلق شئت، یصحبوک بمثله(ابن ابی الحدید، 20/309).با مردم (و دوستان خود)هر گونه و با هر رفتاری که می‏خواهی رفتار کن(اما بدان که)آنها نیز با تو همانند تو(مشابه رفتار تو با تو)رفتار می‏کنند.مجموعه فرمایشات زیبای امام امیر المؤمنین مؤید آن است که پی ریزی روابط مطلوب با گروه همسن، همکاران، اعضای خانواده و دوستان میتواند ثمرات زیادی در بر داشته باشد.در بخش پایانی این مقاله به برخی از این ثمرات اشاره می‏شود: 1.مؤثر در بهداشت روانی:امام علی(ع)می‏فرمایند از ثمرات مهم یک جمع دوستانه و صمیمی، زدودن غم‏ها و اندوه‏ها از درون متربی است:الاخوان جلاء الهموم و الاحزان(نقل از حسینی ارموی، 2/143).

2.سعادت و رشد:از دیگر ثمرات داشتن یک جمع صمیمی و دوستانه، فراهم شدن زمینه رشد، پیشرفت و تعالی است:عاشر اهل الفضل تسعد و تنبل(همانجا، 4/536). با دارندگان فضل و دانش و خوبی معاشرت کن تا به سعادت و رشد برسی.از لوازم خردمندی متربی آن است که تلاش کند افرادی را بعنوان همکار، دوست و همراز خود برگزیند که از او بهتر و برتر باشند تا بتواند از آنها بهره‏های معنوی ببرد.

همنشین تو از تو به باید

با برا عقل و دین بیفزاید

3.بزرگی و بزرگواری:همانگونه که قبلا اشاره شد، یکی از معیارهای ارزیابی مردم در مورد فرد متربی، دوستان و همکاران اوست.در اینجا امام علی(ع)می‏فرمایند که فرد متربی در اثر همنشینی با دوستان برتر از خود به طور طبیعی در نظر مردم بزرگ جلوه کرده و بزرگی می‏یابد:مجالسة الابرار توجب الشرف(همانجا، 6/126).همنشینی با نیکان موجب شرف و بزرگی می‏شود.امام در جای دیگر می‏فرمایند:مواصلة الافضل توجب السمو، ارتباط برقرار کردن(و همنشینی)با دارندگان فضل(دانشمندان، تحصیل‏ کردگان، مؤمنان، نیکان و...)موجب بلند مرتبگی و پیمودن سیر صعودی و تکاملی می‏شود.

4.نشاط و روح افزائی:از دیگر اثرات عاطفی و اجتماعی همنشینی با دوستان برگزیده سرزندگی و نشاط است:معاشرة ذوی الفضائل حیوة القلوب(همانجا، 6/126).در این بیان امام(ع)، سرزندگی روح و روان آدمی را مرهون همنشینی با افراد برجسته و دارای کمال می‏داند.بر عکس، همنشینی با افراد پست و حقیر باعث افسردگی و عقب ماندگی می‏شود:مجالسة السفل تضنی القلوب(همانجا، 6/126).دو عبارت فوق امام(ع)کنایه از آن است که در اثر مصاحبت با دوستان صالح فرد متربی از رشد عاطفی، اجتماعی، جسمانی و عقلانی بهتری برخوردار می‏شود.زیرا که دوست برای متربی نقش الگو را پیدا می‏کند به ویژه اگر آن دوست اهل فضل و دارای ویژگیهای برجسته عاطفی، علمی، اخلاقی و اجتماعی باشد.

5.مصون سازی:نهایتا از اثرات دیگر همنشینی با دوستان برجسته و نیک، مصون سازی متربی است.انسان در اثر معاشرت با دیگران می‏تواند به ظرافتهای اخلاقی آنها پی برده و خط مشی رفتار خود با آنها را ترسیم نماید.از بهترین ابزار شناخت دیگران برای هر کس آن است که مدتی را از نزدیک با یکدیگر معاشرت داشته باشند.لذا امام علی(ع)در این ارتباط می‏فرمایند:خوافی الاخلاق تکشفها المعاشره.نکات مخفی و پنهان اخلاق در اثر معاشرت با دیگران مکشوف و هویدا می‏گردد.از راه معاشرت و دوستی، متربی بر ظرافتهای اخلاقی دوست خود واقف شده و لذا خود را از جهت داشتن رفتار، کردار و یا گفتار مناسب حساسیتهای اخلاقی دوست خود مصون می‏سازد.

در پایان آنچه که به عنوان نتیجه‏گیری در این مقاله می‏توان اذعان نمود آن است که همانطور که میل به گروه همسن یک نیاز فطری، عاطفی، اجتماعی و عقلانی است، تمایل به مصاحبت با یک دوست خوب شرط عقل است.بر اساس شواهدی که در کل مقاله اشاره شد، گرایش به گروه همسن و پیوستن به یک جمع و گروه صمیمی از نشانه‏های رد عقلانی، رشد اجتماعی و رشد عاطفی متربی است.با توجه به نکته‏ای که قبلا اشاره شد مبنی بر آنکه بعد اخلاقی مستتر در بعد اجتماعی است، می‏توان ادعا نمود که بر اساس فرمایشات امام(ع)و بویژه بیانات گهربار ایشان پیرامونقانون طلائی، تمایل و پیوستن به یک جمع دوستانه و صمیمی از لوازم دین و ایمان نیز به حساب می‏آید.در این رابطه امام(ع)می‏فرمایند:من شرایط الایمان، حسن مصاحبة الاخوان(همانجا، 6/16).از شرایط ایمان آن است که فرد متربی با برادران و دوستان خود به بهترین نحو مصاحبت و همنشینی نماید.کنایه از آنکه مؤمن باید از رشد اجتماعی کافی برخوردار باشد.از لوازم ایمان مؤمن آن است که در رفتارهای اجتماعی و عاطفی خود با دیگران بسیار صمیمی و دوستانه برخورد نماید.

منابع 1.قرآن کریم

2.ابن ابی الحدید، عزّ الدین، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

3.حسین ارموی، میر جلال الدین، شرح فارسی غرر و درر آمدی، انتشارات دانشگاه تهران.

4.سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام.

5.قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

6.کارنگی، دیل، آیین دوست‏یابی به ترجمه خشایار، تهران، انتشارات جاویدان.